



بیانیه سازمان فداییان (اقلیت) به مناسبت
چهل و ششمین سالگرد سیاهکل و بنیان‌گذاری سازمان

برای برپائی یک انقلاب اجتماعی و حکومت شورایی تلاش کنیم

کارگران و زحمتکشان، روشنفکران انقلابی!

۱۹ بهمن ۱۳۴۹ یادآور روزی است که رفقای قهرمان ما، در سیاهکل به نبردی حماسی علیه رژیم ستمگر شاه، برخاستند و سازمانی را بنیان گذاشتند که نسلی از انقلابیون کمونیست را در صفوف خود پرورش داد و تأثیرات مهمی در مبارزه انقلابی و جنبش کمونیستی ایران برجای نهاد.

این نقش مهم و تأثیرگذار به‌ویژه از آن‌رو برجسته بود که مبارزه سازمان ما در شرایطی آغاز گردید که پس از شکست خفت‌بار حزب توده و برقراری رژیم دیکتاتوری عربیان محمدرضا شاه که کوچکترین تجلی اعتراض و مبارزه را بی‌رحمانه سرکوب می‌کرد، روحیه یاس و انفعال بر جنبش حاکم شده بود، کمونیست‌ها در پراکندگی و بی‌سازمانی به سر می‌بردند، تلاش‌هایی که برای غلبه بر انفعال و بی‌عملی انجام‌گرفته بود، به شکست انجامیده بود و چشم‌انداز روشنی در مبارزه وجود نداشت.

در یک چنین شرایطی است که بنیان‌گذاران سازمان ما با ارائه تحلیلی جدید از ساختار اقتصادی - اجتماعی جامعه ایران، اتخاذ تاکتیک‌های نوین و روی‌آوری به عمل مسلحانه در سیاهکل و تداوم آن در شهرها، این بن‌بست بی‌عملی و بی‌سازمانی را در هم شکستند و چشم‌انداز نوینی را در مبارزه گشودند.

بهرغم پاره‌ای خطاها، اشکالات و انحرافات نظری و عملی، اما این ابتکار، پیشگامی و پیگیری در مبارزه، در یکی از دشوارترین شرایط نبرد با دشمن طبقاتی، آن‌چنان تأثیر بزرگی در ایران برجای نهاد که به‌راستی یکی از درخشان‌ترین صفحات مبارزات در جنبش کمونیستی ایران است. در نتیجه همین مبارزه و تأثیرات مهم آن بود که به‌رغم کشتار صدها تن از رفقای قهرمان ما توسط دستگاه سرکوب رژیم شاه، به بند کشیدن چند هزار فدایی و ضربات کمرشکنی که سازمان را از وجود رهبران برجسته خود محروم ساخت، اما این سازمان استوار و پابرجا ماند و نقش غیرقابل‌انکاری در برافروختن شعله‌های قیام مسلحانه و سرنگونی رژیم شاه در سال ۵۷ ایفا نمود. قیامی که ساخت و پاخت ارتجاع داخلی و بین‌المللی را برای انتقال مسالمت‌آمیز قدرت به دارو دسته طرفداران خمینی برهم زد و به توده‌های کارگر و زحمتکش و عموم توده‌های ستمدیده این امکان را دارد که لااقل به مدت دو سال باوجود سرکوبگری‌های رژیم جدید، در محدوده‌ای از آزادی و ابتکار عمل برخوردار گردند.

دست آورد ۷ سال مبارزه علیه رژیم سلطنتی و مشارکت فعال در مبارزه و قیام، تبدیل‌شدن سازمان به یک جریان کمونیست پر قدرت بود که در تمام مراکز کارگری، در میان دانشجویان، زنان، سربازان، روشنفکران، ملیت‌های تحت ستم و دهقانان فقیر و زحمتکش، حضور، نفوذ و اعتبار سیاسی داشت. قدرت بسیج سازمان در آن حد بود که می‌توانست در تهران تظاهرات چند صد هزار نفره برگزار کند.

باوجود یک چنین سازمان قدرتمند و البته سازمان‌های دیگری از جمله مجاهدین خلق آن دوران، و نیز جنبش‌های خلق کرد و ترکمن، چنان توازن سیاسی شکل‌گرفته بود که ارتجاع حاکم به‌سادگی نمی‌توانست، تعرضی همچون دهه ۶۰ و کشتار ده‌ها هزار تن از مردم ایران را سازمان دهد، بلکه بالعکس، با توجه به رویگردانی روزافزون توده‌های زحمتکش از رژیم و پی بردن به ماهیت ارتجاعی آن، حتی امکان سرنگونی ارتجاع حاکم وجود داشت.

تحت چنین شرایطی است که بزرگترین ضربه به سازمان و جنبش انقلابی مردم ایران از درون سازمان ما وارد می‌شود. گروهی از افراد فرصت‌طلب و خائن که پس از ضربات سال ۵۵ به درون سازمان نفوذ کرده بودند و پس از سرنگونی رژیم شاه با باندبازی توانستند اکثریت کمیته مرکزی را به دست آورند، به تمام اهداف و آرمان‌های طبقاتی سازمان پشت پا زدند.

اینان، خیانت خود را با زیر سؤال بردن گذشته انقلابی و مبارزاتی سازمان آغاز کردند. در ظاهر ادعای مبارزه با اشتباهات و انحرافات نظری و عملی سازمان را داشتند، اما به‌زودی روشن شد که هدف آن‌ها نفی تمام مبارزات، اهداف و آرمان‌های کمونیستی و کارگری سازمان است. آن‌ها مبارزه با ارتجاع را در یکی از وحشتناک‌ترین دوره‌های دیکتاتوری و سرکوب رد کردند تا سازش با ارتجاع حاکم را به‌جای آن قرار دهند. آن‌ها مبارزه مسلحانه سازمان را نفی کردند، نه از آن‌رو که با اشتباهات و انحرافات آن برخورد کنند، بلکه با این هدف که پرچم سفید تسلیم را در برابر ارتجاع بلند کنند و هرگونه مبارزه انقلابی برای سرنگونی رژیم ارتجاعی حاکم را نفی و انکار نمایند. موجودیت سازمان ما با دفاع از مارکسیسم - لنینیسم در برابر تجدیدنظرطلبی‌ها و فرصت‌طلبی و از این‌رو مرزبندی قاطع با حزب فرصت‌طلب توده بنیان گذاشته شد. خیانت‌کاران اکثریتی، این مواضع سوسیالیستی رادیکال سازمان را نفی کردند، تا به دامان حزب ضد سوسیالیستی توده پناه ببرند.

شماره پیامگیر در اروپا: ۶۴۴۹۲۸۳۷۲ (۰) ۰۰۳۱

نشانی ما روی اینترنت: www.fadaian-minority.org آدرس الکترونیکی ما: info@fadaian-minority.org

جناح انقلابی سازمان، "فداییان اقلیت"، در برابر این فرصت‌طلبان ایستاد، از سوسیالیسم، مارکسیسم - لنینیسم و پایبندی به تمام اهداف و آرمان‌های آزادی‌خواهانه و سوسیالیستی سازمان دفاع کرد. جناح انقلابی سازمان، اشتباهات و انحرافات نظری و عملی گذشته سازمان را نفی کرد، اما از مبارزات قهرمانانه و پیگیرانه گذشته سازمان علیه رژیم ستمگر شاه دفاع کرد. جناح انقلابی سازمان، بر ادامه سنت مبارزه پیگیر فداییان علیه طبقه ضدانقلابی حاکم اصرار ورزید و بر سرنگونی رژیم فوق ارتجاعی جمهوری اسلامی و برقراری حکومت کارگری تأکید نمود. لذا، جدایی میان دو جریان اساساً متفاوت انقلابی (فداییان اقلیت) و ضدانقلابی "اکثریت" ناگزیر بود و به انشعاب در خردادماه سال ۵۹ انجامید. اما "اکثریت" خیانت‌کار، ضربه خود را به سازمان زده بود. چرخش "اکثریت" به سوی ارتجاع و همکاری با آن، فقط ضربه به سازمان و تضعیف آن نبود، بلکه توازن سیاسی جامعه ایران را به نفع رژیم تغییر داد. نفرت و انزجاری که نسبت به جریان "اکثریت" وجود داشته و دارد، تنها در این نیست که به گذشته انقلابی سازمان پشت کرد و به همراه حزب توده با رژیم ارتجاعی متحد شد و در سرکوب و کشتار نقش داشت، بلکه با تغییراتی که در موازنه سیاسی به نفع ارتجاع حاکم ایجاد نمود، به رژیم امکان داد که با قدرت بیشتری تعرض گسترده خود را به انقلاب نیمه‌کاره سازمان دهد، و با کشتار ده‌ها هزار تن از مردم ایران، رژیمی هولناکتر از رژیم دیکتاتوری شاه بر ایران حاکم سازد. نقش ویرانگر و ضدانقلابی جریان "اکثریت" به همین‌جا خلاصه نشد. تا پیش از انشعاب در سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران، به دلیل قدرت برتر سازمان ما در میان سازمان‌های مخالف رژیم، مجاهدین خلق همواره می‌کوشیدند مبارزات خود را به نحوی با سازمان هماهنگ کنند، انشعاب بزرگ در سازمان و تضعیف جناح انقلابی، این امکان را برای سازمان مجاهدین خلق نیز که یک جریان سازمان‌یافته قدرتمند بود، فراهم ساخت که خود را تنها جریان تعیین‌کننده در مقابل رژیم بدانند و مبارزه مسلحانه بی‌موقع، تروریستی و بلانکیستی را آغاز کند که به‌کلی توازن قوا را به نفع رژیم برهم زد.

بهرغم تمام این شرایط، جناح انقلابی سازمان که اکنون به‌عنوان "فداییان اقلیت" شناخته‌شده، پرچم اهداف و آرمان‌های کمونیستی طبقه کارگر را برافراشته نگاه داشت و به مبارزه انقلابی علیه نظم موجود ادامه داد. این در حالی بود که حتی یک سال هم فرصت نداشت که خود را تجدید سازمان‌دهی کند. در جریان یورش ارتجاع در سال ۶۰ و سال‌های پس‌از آن، قهرمانانه ایستاد، راه و روش مبارزه تزلزل‌ناپذیر کمونیستی فداییان را ادامه داد. در جریان این ایستادگی و نبرد، صدها تن از فداییان اقلیت توسط رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی کشتار شدند. چندین هزار تن سال‌ها در شکنجه‌گاه‌های قرون‌وسطایی به اسارت گرفته شدند. این افتخار بزرگی برای سازمان ما است که این‌چنین قهرمانانه در برابر یکی از مخوف‌ترین و هارترین رژیم‌های استبدادی ایستاد و از منافع و مطالبات کارگران و زحمتکشان و عموم توده‌های ستمدیده دفاع کرد. جان‌فشانی رفقای ما در راه آرمان‌های آزادی‌خواهانه و سوسیالیستی طبقه کارگر، مقاومت و پایداری رفقای ما در شکنجه‌گاه‌های رژیم دمدنش جمهوری اسلامی، افتخاری برای همه کمونیست‌های ایران است.

باوجود تمام وحشی‌گری‌های طبقه حاکم بر ایران و رژیم ارتجاعی پاسدار منافع آن، سازمان ما همچنان پایدار ماند و به‌رغم تمام فراز و نشیب‌های چند دهه گذشته به مبارزات خود ادامه داد.

کارگران و زحمتکشان! روشنفکران انقلابی!

انقلاب سال ۱۳۵۷ و قیام ۲۲ بهمن و سرانجام شکست انقلاب، درس‌های بزرگی برای جنبش کمونیستی ایران داشت که انعکاس آن را به‌وضوح در برنامه، روش و تاکتیک‌های سازمان ما می‌توان یافت. تجربه آشکارا نشان داد که حتی عربان‌ترین دیکتاتوری‌ها نمی‌توانند مانع از روی‌آوری طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش مردم به انقلاب علیه طبقه حاکم ستمگر شوند.

انقلاب سال ۵۷ نشان داد، روش و شیوه‌های مبارزاتی اساسی طبقه کارگر برای سرنگونی طبقه حاکم، اعتصابات عمومی اقتصادی و سیاسی، تظاهرات توده‌ای، اعتصاب سراسری سیاسی و قیام مسلحانه است. انقلاب سال ۵۷ همچنین نشان داد که طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش شهر و روستا، شکل سازمانی ویژه‌ای برای اعمال حاکمیت و سیادت سیاسی خواهند داشت که شوراهاست. این شوراها هنگامی می‌توانند شکل بگیرند و ادامه حیات یابند که دستگاه دولتی طبقه حاکم و اساس آن نیروهای مسلح حرفه‌ای جدا از مردم و بوروکراسی مافوق مردم، در هم‌شکسته شوند.

شکست انقلاب سال ۵۷ بار دیگر به‌وضوح نشان داد که به‌رغم تمام فداکاری و از خودگذشتگی توده‌های زحمتکش مردم، مادام که رهبری انقلاب در دست طبقه کارگر نباشد، ارتجاع، ثمره تمام تلاش، فداکاری و قهرمانی توده‌های زحمتکش را نابود خواهد کرد و مردم ایران حتی نمی‌توانند از آزادی سیاسی برخوردار باشند، تا چه رسد به خواست‌ها و اهدافی فراتر از آن. بنابراین، هر تحول جدی در ایران نیاز به رهبری طبقه کارگر و انقلاب کارگری خواهد داشت. نه فقط تجربه شکست انقلاب ۵۷، بلکه تمام تجربه دوران پس از انقلاب مشروطیت نیز این حقیقت را کاملاً اثبات کرده و نشان داده است.

سازمان فداییان اقلیت، این تجارب ارزشمند را همواره پاس داشته و بر طبق آن‌ها عمل کرده است. دفاع اکید از استقلال طبقاتی کارگران، ضرورت برپایی انقلاب اجتماعی کارگری و استقرار حکومت شورایی و سوسیالیسم، تلاش برای سازمان‌دهی طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش برای برپایی یک اعتصاب سراسری سیاسی و قیام مسلحانه به‌قصد سرنگونی طبقه سرمایه‌دار و رژیم جمهوری اسلامی، همواره در سرنوشت فعالیت‌های سازمان ما بوده است.

سازمان ما، به‌عنوان یک سازمان کمونیست، همواره تلاش کرده است، از خلوص انقلابی اندیشه‌های بزرگ انسانی بنیان‌گذاران سوسیالیسم علمی برای رهایی تمام بشریت ستمدیده دفاع کند و آن‌ها را در میان طبقه کارگر تبلیغ و ترویج کند. هیچ آلترناتیو دیگری جز سوسیالیسم وجود ندارد. بر همین اساس، سازمان ما حتی چندین سال پیش کموج فرار از جبهه سوسیالیسم در مقیاس جهانی به پدیده مد روز تبدیل شد، استوار

شماره پیام‌گیر در اروپا: ۰۰۳۱ (۰) ۶۴۴۹۲۸۳۷۲

نشانی ما روی اینترنت: www.fadaian-minority.org آدرس الکترونیکی ما: info@fadaian-minority.org

ایستاد و به شعار خلاف جریان خود، پایبند ماند. درستی این خطمشی امروز دیگر بر همگان آشکار شده که جز یک نظم سوسیالیستی و اندیشه‌های سوسیالیستی کارل مارکس، بدیلی برای سرمایه‌داری منحل و در حال زوال و بن‌بست وجود ندارد. در ایران واقعیت اوضاع بیش از تمام جهان آشکار است.

کارگران و زحمتکشان! روشنفکران انقلابی!

نظم سرمایه‌داری حاکم بر ایران از جهات مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی با ورشکستگی تام و تمام روبروست. بحران اقتصادی علاج ناپذیر، میلیون‌ها انسان را به بیکاری، فقر و گرسنگی محکوم کرده است. عواقب اجتماعی وخیم نظم ورشکسته سرمایه‌داری در انواع و اقسام مصائب و بیماری‌های اجتماعی، در همه‌جا آشکار است. ایران به بزرگترین کشور معتادان به مواد مخدر تبدیل شده است. فقر و بیکاری، نابسامانی‌های متعددی به بار آورده است.

رژیم ورشکسته جمهوری اسلامی غرق در بحران‌های درونی و بیرونی است. زوال و گندیدگی این رژیم در فساد مالی و دزدی که سر تا پای آن را فراگرفته به‌وضوح بر همگان آشکار است.

توده‌های وسیع مردم ایران همچنان زیر فشارهای خردکننده سیاسی، سرکوب و محرومیت از ابتدایی‌ترین حقوق انسانی و آزادی‌های سیاسی در رنج و عذاب به سر می‌برند. وعده‌های قلابی و فریبکارانه اصلاح‌طلبی، پوچ بودن خود را مکرر بر همگان آشکار کرده است.

تمام این حقایق بیانگر این واقعیت است که راه نجات از این وضعیت فاجعه‌بار، جز روی‌آوری به انقلاب برای دگرگونی تمام نظم موجود ممکن نیست. تنها یک انقلاب اجتماعی می‌تواند توده‌های وسیع کارگر و زحمتکش را از فقر، فلاکت، بیکاری و انواع و اقسام مصائب اجتماعی نجات دهد. تنها یک انقلاب اجتماعی می‌تواند توده‌های مردم را از اسارت استبداد و بی حقوقی نجات دهد، آزادی‌ها را به مردم بازگرداند، حقوق دمکراتیک مردم را محقق سازد، به تبعیض و نابرابری جنسیتی، ملی، مذهبی پایان بخشد، میلیون‌ها زن را از اسارت نجات دهد. تنها یک انقلاب اجتماعی می‌تواند نظمی سوسیالیستی را مستقر سازد و به استثمار و ستم طبقه کارگر پایان بخشد و جامعه‌ای متشکل از انسان‌های آزاد و برابر را برپا دارد.

سازمان فدائیان (اقلیت) در چهل و ششمین سالگرد نبرد سیاه‌کل، پیگیرانه از اهداف و آرمان‌های آزادی‌خواهانه و سوسیالیستی طبقه کارگر ایران و بینان‌گذاران سازمان دفاع خواهد کرد و به مبارزه برای برپایی یک انقلاب اجتماعی کارگری، استقرار یک حکومت شورایی و برقراری سوسیالیسم ادامه خواهد داد.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی – برقرار باد حکومت شورایی
نابود باد نظام سرمایه‌داری – زنده باد سوسیالیسم
سازمان فدائیان (اقلیت)
نیمه اول بهمن‌ماه ۱۳۹۵

کار – نان – آزادی – حکومت شورایی